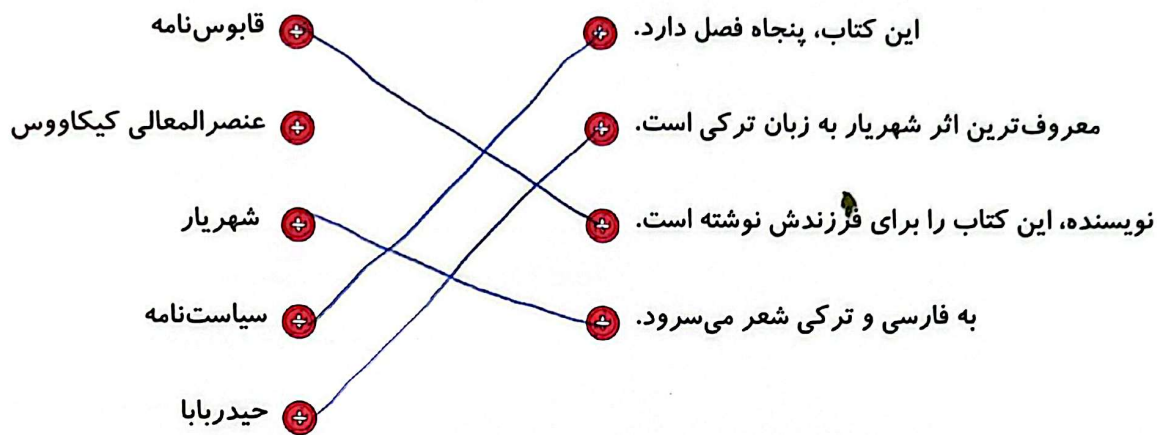


# تمرین

۱ توضیحات قسمت راست را به گزینه‌ی مناسب در سمت چپ وصل کن. (یک مورد اضافی است.)



۲ درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: عبارت «برادر نیز، دوست به» جایگاه دوست را بالاتر از برادر دانسته است.

ب: «سرد و گرم چشیده»؛ یعنی با موفقیت از سختی‌ها عبور کرده است.  با تجربه است

پ: مفهوم ضرب‌المثل «تا پول داری رفیقتم» همانند مصراع «ولی چگونه مگس از پی شکر نرود» است.

مفرد واژه‌های زیر را بنویس.



۴ با توجه به شعر «شیر خدا، جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کن».

الف: عشق بازی که ..... *عشق بازی که ...* خطر

ب: دل شب، ..... *دل شب، ...* سز الله است

پ: ..... *...* داشته با این دل شب

ت: کلماتی چو در ..... *کلماتی چو در ...* گوش

۵ ابیات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردان.

الف: گفت: برادر نیز، دوست به.

*گفت: برادر نیز خوب است و من (دوست) بهتر است.*

ب: شبروان مست ولای تو علی / جان عالم به فدای تو علی

*این عالم به فدای جانم بخارم / در جهان در جهان در جهان*

*وجه نیان به فدای تو ما سید -*

فارسی ششم دبستان

# علوی

پ: آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه‌ی در شد از او دامن گیر  
 در آن صبح اعجاب انبیا چشم در سینه در هم داشتیم (ایمان حضرت علی بود و آن کس بی‌سواد)

ایشان نرود

ت: مشاورت کردند در کارها از قوی‌رایی مردم باشد و از تمام عقلی

... (سورست و هم فسر که برین در مارک از استواران ... غمرو بلین و سخن و دانایی نواب مردم است)

۶ در جمله‌ی زیر، اجزای تشبیه را مشخص کن.  
 تدبیر ده تنه چون زور ده مرده باشد.


۷ در متن زیر، واژه‌های غیر ساده را پیدا کن.

«با مردمانی که با تو به راه دوستی روند و نیم دوست باشند، نیکویی و سازگاری کن و در هر نیک و بد به ایشان، مشفق باش.»

۸ با توجه به سؤالات داده شده پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: در کدام گزینه، فعل امر به کار نرفته است؟

- ۱) بدان ای پسر که مردمان تا زنده‌اند از دوستان ناگزیرند.
- ۲) پس به کار دوستان اندیشه کن.
- ۳) دوستان کهن را بر جای همی‌دار.
- ۴) ✓ تدبیر با دانایان و جهان‌دیدگان باید کرد.

ب: عبارت زیر، چند جمله است؟

«مرد اگر بنی‌برادر باشد به که بنی‌دوست.»

- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) ✓ سه
- ۴) چهار

پ: کدام ترکیب با بقیه فرق دارد؟

- ۱) سینه‌ی آفاق
- ۲) ✓ چشم بیدار (تراب و سخن)
- ۳) حلقه‌ی در
- ۴) هم آغوش خطر

ت: معنی کدام واژه نادرست است؟

- ۱) مشفق: مهربان
- ۲) محرم: رازدار
- ۳) ✓ ازلی: آخری
- ۴) فجر: روشنی سپیده‌دم



حکایت زیر را خوانده و به سؤالات مربوط به آن پاسخ بده.

۹



بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت: نباید که این سخن با کسی در میان نبی. گفت: «ای پدر! فرمان تو راست، نگویم ولی خواهم مرا بر فایده‌ی این مطلع گردانی.» پدر گفت: «تا مصیبت دو نشود، یکی خسارت سرمایه و دیگر سرزنش همسایه.»

«گلستان سعدی باب چهارم با اندکی تغییر»

الف: چه اتفاقی برای بازرگان افتاده بود؟

هزار دینار خسارت خورد.

ب: بازرگان، پسر را از چه کاری منع کرد؟

این را در میان مردم بگوید. مطلع نگردد.

پ: چرا بازرگان نمی‌خواست کسی از خسارت دیدن او آگاه شود؟

چون نمی‌خواست کسی او را سرزنش کند.

ت: شخصیت بازرگان را توصیف کن.

عجیب - دانا - محافظه‌کار و مسئول.



کتب: کتابها - جمیع کتاب

آخر الزمان: دورهی پایان زندگی

بدو گروم: از این پس و این پس

حکما: جمع حکیم، دانشمندان

علماء: جمع عالم، دانشمندان

دریغ داشتن: کوتاهی کردن

نمودی: نشان دادی

کردار: برضایت، عمل

زینهار: آگاه باش

پارسا: پر همت، پارسا

دروغ زن: دروغگو

خوی: خصلت، اخلاق

گران: سنگین، ناخوشایند

ستوده: سنگین، سنگین

زاد: سرچشمه

حرمت: احترام، کبر

تشکچه: تشک کوچک

غوغا: دراز بیدار، بیدار، صیاهو

طبع: بیدار، طبیعت

کوفتن: کوبیدن

آشفته: بیسوال

مدعی: از محامیان

قانع: راضی، بسیار جا

حصید: بوی خوش، از نسی یا نسیه دیگر یافته

قید: طناب، بند

ریسمان: بند، طناب

فلک: آسمان، مهتر

غلام: بند، نوکر

محفل: مجلس، در قدم بود

بصر: بینایی، روشن (بصر)

راستی: ... کبرایس، زیبا برای

اریگر: کمک کننده

### کلمات متضاد

الا ≠ پست

است گوی ≠ دروغ زن

### کلمات هم خانواده

صیت، وصی، توصیه، وصایا

عز، عزت، عزیز

جل، جلال، جلیل، مجلل

قانع، قناعت

رستگار: ... بهر روز، خوش

ادعا: طلب کردن برتری و مزیتی برای خود

نیکو خوی ≠ بدخو

حصیر، حصار، محصور، محاصره

غیبت، غایب، غیاب

حرام، حریم، احترام، محترم، حرمت، حرم

بصر، بصیرت، مبصر

یکی از راهکارهای درست نویسی و تقویت املا طراحی و حل جدول است.

برای جدول زیر، سؤال‌های مناسب طراحی کن:

(۱) آدرک بهانه سیر ه ز نو

(۲) کسی به داستان خواند

(۳) از اصوات امرت دسه جمله من باشد

(۴) کتا ورز

(۵) تحف ماه

(۶) من دتو (از صبر جمع است)

(۷) در تب خوانده دک به بیغامبره خواهد آمد، ناگ او محمد مصطفی (پس) است

(۸) ناگ کل است

(۹) ناره اس شده (ناگ سر ز ص)

(۱۰) از حرف افنامه است

(۱۱) فعل نه از رهن (متفاد بر)

(۱۲) از هم خانوار (هم توحه امرت) به معنای سفارش

(۱۳) رنج دگنت و سخی

(۱۴) سخن گفتن از بیجاری است





۵ از میان کلمه‌های زیر، هم خانواده‌ها و متضاده‌ها را جدا کن و در جدول زیر بنویس.

عقل - حرام - سکوت - دروغ زن - حلال - قانع - ساکت - عقلا - آغاز - قناعت - فرجام - راست گو

هم خانواده		متضاد	
عقل	عقلانی	حلال	حرام
سکوت	سکوتی	دروغ زن	راست گو
فرجام	فرجامی	قانع	عقل

۶ معنی «را» در جمله‌های زیر چیست؟

پ: ما را سخنی بگو از دانسته‌هایت. (..... بیستم.....)  
ت: بد کننده را، زندگی کوتاه باشد. (..... بیستم.....)

الف: مردمان را عیب نکنید. (..... بیستم.....)  
ب: بزرگی، فرزندی را پرسید. (..... بیستم.....)

۷ نام نویسنده یا شاعر هر یک از موارد زیر را بنویس.

الف: ستاره ی روشن ... ابو الفتح بیهقی ب: قصه‌های مجید ... میرزا یونس پ: شعر نیایش ... سیمین

۸ در بیت زیر، کلمه‌های متضاد را مشخص کن:

هستم  $\neq$  نیستم «موج ز خود رفته‌ای، تیز خرامید و گفت: هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم» (هیستم  $\neq$  نروم)

۹ با استفاده از حروف (و، را، که، از، در، به) متن زیر را کامل کن.

«شیخ لبخند زد ... و گفت: بیستم. آواز گنجشکان گوش کن، هزاران سخن برز. آوازشان است. گنجشکان غوغا کردند. درخت برخاستند و برز. هوای مکتب چرخ زدند.»

۱۰ با توجه به سؤالات داده شده پاسخ مناسب را انتخاب کن

الف: «تا» در کدام گزینه، حرف ربط نیست؟

(۱) وصیت کنی تا بهشت یابید. (۲) هیچ چیز دریغ نداشتی تا دانا شدیم.

(۳) کوزه را نگه دار تا در آن آب این کوزه ریزم. (۴) تا شام نیفتاد صدای تیر از گوش.

ب: در کدام گزینه «را» معنی «به» نمی‌دهد؟

(۱) فرزندان خود را چنین وصیت کنید. (۲) خدایا، جهان پادشاهی تو راست.

(۳) باری، توانگر گفت درویش را. (۴) خدای (تعالی) او را می‌فرماید.

پ: کدام گزینه با توجه به معنی آن از نظر املايي نادرست است؟

(۱) محفل: مجلس (۲) قید: مانع (۳) غانع: راضی (۴) زینهار: آگاه باش

ت: در کدام یک از ترکیب‌های زیر تشبیه دیده می‌شود؟

(۱) محفل روشن (۲) چراغ هدایت (۳) خلق خوش (۴) کوبه‌ی در



نصیحت کردن پادشاهان، کسی را مسلم و شایسته است که بیم سر ندارد یا امید زر.  
«گلستان سعدی باب هشتم با اندکی تغییر»

الف: چه کسی می تواند پادشاه را نصیحت کند؟

کسی که بیجا است و محتاج ثروت و بارها نیست

ب: منظور از «بیم سر ندارد» چیست؟

یعنی ترس از ستم پادشاه ندارد و در برابر بیجا است.

پ: چرا کسی که «امید زر» دارد، نباید پادشاه را نصیحت کند؟

چون اگر بارها از نصیحت او چشمپوشی شود، نمی تواند بیم سر نداشته و در برابر

خود از بارها، دست بگیرد

ت: آیا تو با عقیده سعدی، موافقی؟ چرا؟

بیم سر نداشته و در برابر